

## تبیین مدل عوامل موثر بر توسعه سیاسی - اقتصادی استان ایلام با تاکید بر نقش نخبگان رسمی

### چکیده

مطالعات تاریخی نشان دهنده نقش کلیدی نخبگان در تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. توجه بسیاری از کشورهای پیشرفته و توسعه یافته حاکی از آنست که نخبگان کشور بویژه نخبگان سیاسی حاکم با ایفای نقش اساسی خود در فرایند تصمیم گیری امور و اداره کشور تاثیر مهم در فرآیند توسعه ایفا می کنند هدف این پژوهش، تبیین نقش و جایگاه نخبگان غیررسمی و تعامل آنها با نخبگان رسمی-دولتی در توسعه سیاسی و اقتصادی کشور بعد از جنگ تحمیلی تاکنون می باشد. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل ۳۰ تن از خبرگان، اساتید و نخبگان محلی بودند. روش نمونه گیری برای بخش کیفی تحقیق از نوع غیر تصادفی و گلوله برفی می باشد و حجم نمونه تا زمان اشباع نظری ادامه پیدا می کند. همچنین در قسمت کمی، ۳۸۴ نفر از نخبگان محلی استان ایلام می باشد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزارهای SPSS و آموس با روش تحلیل عاملی و معادلات ساختاری استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که احساس امنیت سیاسی، انگیزش، شایسته سالاری در جامعه، توسعه گرایی، بافت جامعه اسلامی، فرهنگ سازی، فضای رقابت علمی، جهت گیری استراتژیک و نهادمندی سیاسی از عوامل موثر بر توسعه سیاسی - اقتصادی استان ایلام با توجه به نقش نخبگان رسمی می باشد.

واژگان کلیدی: توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، نخبگان، استان ایلام

توسعه از جنگ جهانی دوم به بعد وارد ادبیات سیاسی شد و دارای ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و... است. توسعه به معنای گسترش و تکامل و ریشه در تفکر علمی و مدرن دوران روشنفکری دارد و هدفش بهبود زندگی مردم است. توسعه در مفهوم قوی خود، به معنای استفاده از منابع تولید جامعه جهت بهبود شرایط زندگی فقیرترین افراد می‌باشد.

توسعه در واقع نتیجه تکامل، تغییر، رشد، ترقی و نوسازی است. تا منظور از این مفاهیم روشن نگردد، درک اینکه واقعا توسعه چیست مشکل خواهد بود. مروری بر تاکیدات نظری مفهوم توسعه در دوره‌های گوناگون نشان می‌دهد با توجه به تحولات سیاسی در سطح جهانی، عناصر متفاوتی مورد اقبال نظریه پردازان و محققان توسعه قرار گرفته است. توسعه به مثابه پیشرفت تاریخی، استخراج منابع طبیعی، تدارک برنامه ریزی شده پیشرفت‌های سیاسی و اجتماعی، توسعه به مثابه یک وضعیت در مقابل توسعه به صورت یک فرایند، تاکید بر رشد اقتصادی، دگرگونی ساختاری، نوسازی، توسعه به مثابه جهش در نیروهای مولد (برداشت مارکسیستی)، توسعه در معنای آزادی حق انتخاب، توسعه پایدار، ضد صنعت گرایی، توسعه به مثابه گفتمان سلطه و پساتوسعه از جمله رویکردهای متفاوتی است که تحولات مفهومی توسعه در تعامل با سیاست را نشان می‌دهد.

علاوه بر تعدد رویکردها، ابعاد مختلفی برای توسعه نیز قابل تصور است (توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، انسانی، صنعتی، و توسعه پایدار) که وابستگی کاملی به یکدیگر دارند. این مطالعه دو بعد سیاسی و اقتصادی توسعه، موانع و مشکلات توسعه در کشور و بویژه در استان ایلام را مورد بررسی قرار داده است. چرا که این دو بعد از توسعه به لحاظ تاریخی، پیش نیاز دیگر ابعاد توسعه نیز هستند؛ بنابراین انتخاب توامان دو بعد، برای تحلیل مناسب تر خواهد بود. البته گاهی اوقات توسعه تک بعدی مدنظر است در حالی که توسعه همه جانبه هماهنگی و همزمانی ابعاد مختلف توسعه را در برمی گیرد.

تبیین‌های مبتنی بر عاملیت تمایل به شناسایی مقاطع بحرانی در سیاست گذاری‌ها دارد. چنین تحلیل‌هایی بازیگران خاص درگیر در تصمیم گیری‌های حیاتی را شناسایی کرده و چرایی اجرای این تصمیمات را توصیف می‌کند. رویکرد دوم بر ساختار نهادهای سیاسی تاکید دارد. سوال اصلی این رویکرد اینگونه قابل طرح است: چه نوع نهاد سیاسی، رشد اقتصادی را بهبود می‌بخشد؟ محققان در این سنت در جستجوی (۱) شناسایی تفاوت‌های نهادی بین کشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک و (۲) تفاوت نهادها در شکل گیری اقتصاد ملی هستند. به عنوان مثال یکی از تبیین‌های این نحله این ادعای ساده و مورد پذیرش است که رهبرانی که به صورت دموکراتیک انتخاب شده اند، برای سیاست‌ها و عملکرد سیاسی خود پاسخگو هستند ولی تصمیم گیرندگان در ساختاری غیردموکراتیک اینگونه نخواهند بود. در واقع این رویکرد بیشتر "ساختاری" است و نقش ساختارهای مختلف را در توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهد. به نظر انصاری (۱۳۹۱) تبیین‌های بر مبنای عاملیت در چهار فاکتور مهم نظری اشتراک دارند:

(۱) آنها بر عاملیت نخبگان سیاسی در انتخاب جهت گیری‌های سیاسی ویژه و نقش چنین افراد کلیدی در ایجاد وفاق سیاسی حول سیاست گذاری‌ها و همچنین در سرکوب مخالفین تاکید دارند.

(۲) نقش "اراده سیاسی" برای چنین تبیین‌هایی حیاتی است. رهبران دولتی با لیستی از انتخاب‌های سیاسی مواجه هستند. به عنوان مثال سیاست کاهش مالیات کارآفرینان و یا کاهش یارانه‌ها که هر دو منجر به تعویق برنامه‌های رفاه عمومی می‌گردد. فقط یک اراده حکومتی قوی می‌تواند این ریسک‌ها را بپذیرد.

(۳) هزینه‌های سیاسی مربوط به روند اصلاحات، از دیگر مشخصه‌های تبیین‌های از این نوع است: اهمیت ایجاد ائتلاف‌های اجتماعی اصلاح طلب و رشد طلب. رهبران سیاسی قوی برای ایجاد وفاق ملی حاضر به ایثار در جهت خیر ملی هستند. لذا ملت سازی قسمتی از فرایند کلی توسعه هستند.

(۴) مشخصه مشترک چهارم این مباحث بیشتر مجازی و تلویحی است: سیاست‌های رشد طلب در مرکزیت هستند و تنها سوال این است که آیا رهبران سیاسی حاضر به تصویب آن هستند یا خیر؟ از آن جایی که اغلب این سیاست‌ها در کوتاه مدت دردناک هستند، استدلال این است که فقط رهبران قوی در کشورهای در حال توسعه این خط مشی‌ها را تصویب می‌کنند.

ملاحظه شد که در تبیین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی رویکردهای مشابه "عاملیت محور" و "ساختار محور" وجود دارد. با توجه به اینکه تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که ترقی و تعالی یا سقوط و فروپاشی هر مملکتی به نقش نخبگان سیاسی وابسته است و اندیشه و تفکر آنها در اجرای برنامه‌های سیاسی و اجتماعی و چگونگی تحقق خواست‌های مردم به میزان تعیین کننده و سرنوشت سازی موثر می‌باشد. این مطالعه بر مبنای تعریفی که از نخبگان ارائه خواهد داد، رویکردی تلفیقی اتخاذ خواهد کرد و سعی دارد دو دیدگاه

"عاملیت محور" و "ساختار محور" در تبیین توسعه را به هم نزدیک کند. لذا با تاکید بر تصمیمات و کنش بازیگران اصلی یا همان نخبگان جامعه و در نظر داشتن تاثیر ساختارها، اعم از درونی و بیرونی بر فرایند تصمیم گیری نخبگان، به تبیین توسعه اقتصادی و سیاسی خواهد پرداخت. در این مطالعه نقش ساختارها نادیده گرفته نخواهد شد بلکه تعامل ساختارها با نخبگان رسمی از جمله بزرگان طوایف، قبایل و ایلات و استفاده از نقش، اندیشه، نفوذ و بکارگیری ظرفیت‌های داخلی آنان در امر توسعه و تاثیر آن بر توسعه سیاسی و اقتصادی استان ایلام مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### پیشینه پژوهش

کریمی فرد (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان توسعه اقتصادی چین؛ نقش نخبگان توسعه‌گرا و چگونگی انطباق با اقتصاد جهانی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که دولت در این کشور به خوبی توانسته است بازار را در خدمت اهداف خود درآورد. از مقطع اصلاحات و سیاست درهای باز تاکنون، دولت چین توانسته است با توسل به سازوکارهای اقتصاد بازار و تشویق و توسعه بخش خصوصی، فرایند توسعه اقتصادی را با سرعتی شگفت‌انگیز به پیش راند و حجم عظیمی از ثروت را ایجاد کند. از مقطع اصلاحات و سیاست درهای باز تاکنون حزب کمونیست چین توانسته است با انتقال مرکز ثقل مشروعیت خود از ایدئولوژی و پوپولیسم به توسعه اقتصادی، بحران مشروعیت را حل کند.

تمنده و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان بررسی نقش نخبگان سیاسی در توسعه کشور با استفاده از اندیشه و مدیریت جهادی در دهه اول انقلاب اسلامی ایران انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که نخبگان سیاسی، تأثیرات مثبتی در روند رشد و توسعه ایران در دهه اول انقلاب اسلامی داشته‌اند و یکی از محرک‌های اصلی در سوق دادن جامعه اسلامی ایران برای رسیدن به آرمان‌هایش می‌باشند. نوریان (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان نقش نخبگان سیاسی در رشد و توسعه متوازن جوامع معاصر آسیایی به این نتیجه رسیدند که نخبگان سیاسی تأثیرات مثبت و بعضاً منفی در روند رشد و توسعه متوازن جوامع مورد تحقیق داشته‌اند. در این مقاله نقش و تأثیرات نخبگان در سه کشور ایران، ژاپن، و ترکیه بررسی شده است که در مجموع نقش نیروی انسانی و اندیشه نخبگان سیاسی و علمی در به‌کارگیری ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی به‌عنوان الگو و مدلی برتر نسبت به سایر عوامل می‌تواند درجه اهمیت آنان بر جنبه‌های مختلف توسعه را نشان دهد. رویکرد رهبران و نخبگان این کشورها در فراهم‌نمودن زمینه‌های رشد سیاسی، آموزشی، و اقتصادی بر اساس عوامل مرتبط با امر توسعه متوازن تجزیه و تحلیل شده است و همچنین، به ضعف و کاستی برخی از کشورهای مورد مطالعه از جمله ایران در جهت عدم حرکت متوازن به سوی توسعه فراگیر و پلورالیسم، خصوصاً در دوران پهلوی‌ها، از منظر تاریخی، سیاسی، و اجتماعی اشاره شده است.

زیباکلام و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان نقش نخبگان سیاسی در توسعه سیاسی ایران (۱۳۵۷-۱۳۳۲) به این نتیجه رسیدند که نخبگان سیاسی ایران در دوره مذکوراز طریق اقداماتی همچون ایجاد قدرت هرمی و سلسله مراتبی، سواستفاده از قدرت و فساد، ممانعت از برگزاری انتخابات آزاد و اعمال تقلب در انتخابات، سرکوب مطبوعات آزاد و مستقل و همچنین سرکوب احزاب و دسته جات مستقل نقشی بازدارنده در مسیر تحقق توسعه سیاسی در ایران ایفا نمودند.

### مبانی نظری

توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ شدن است. (فرهنگ لغات آکسفورد، ۲۰۰۱)

بروکفیلد در تعریف توسعه می‌گوید: توسعه را باید بر حسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و نابرابری تعریف کنیم.

به طور کلی توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را در بردارد شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارهای و دیدگاه‌های عموم مردم است.

تاریخ شکل‌گیری اندیشه‌ها در باب نخبگان به عهد افلاطون و ارسطو برمی‌گردد در قرن پانزدهم ماکیاولی و در قرون بعد از آن و در دوران معاصر، اندیشمندانی چون ویلفرد، پاره‌تو، موسکاو میخلز نظریه‌پردازی نموده‌اند و به طرح دیدگاه‌های خود، که غالباً متأثر از کنش‌های اجتماعی و سیاسی عصر خود بوده است، پرداخته‌اند.

در خصوص متغیرهای این پژوهش طبعاً متغیر مستقل را بایستی نقش نخبگان و تعامل آنها با نخبگان رسمی تأثیرگذاری بدانیم که با برنامه ریزی و مدیریت صحیح و شناخت ظرفیت‌ها در راستای حصول به اهداف میان مدت و بلندمدت توسعه فراگیر در استان ایلام از تمام امکانات اعم از نیروی انسانی متخصص و منابع، استفاده بهینه را می نمایند. امر توسعه نیز متغیر وابسته است.

### نخبه در دیدگاه‌های کلاسیک

مفهوم نخبگان مانند دیگر مفاهیم اجتماعی، مفهومی چند بعدی بوده و صاحب‌نظران مختلف رویکردها و صورت‌بندی‌های متفاوتی از آن ارائه کرده اند. همچنین این مفهوم تحولات نسبتاً زیادی را شاهد بوده است و در آثار بسیاری از فلاسفه نیز مطرح بوده است. اما این مفهوم در اواخر قرن ۱۹ وارد ادبیات جامعه‌شناسی شد. بر این اساس در این نوشتار بررسی مفهوم نخبگان را در دو قسمت «نخبه در دیدگاه‌های کلاسیک» و «نخبه در دیدگاه‌های معاصر» خواهیم آورد که قسمت دوم خود به دو قسمت عمده «کارکردگرا» و «انتقادی» تقسیم می‌گردد. در سالهای اول شکل‌گیری مفهوم نخبه در علوم اجتماعی، این مفهوم جدای از مفهوم توده به کار نمی‌رفت و همواره «نخبه مفهومی مثبت و توده مفهومی منفی بود» (حافظیان، ۱۳۸۳: ۴۱). این نگاه دوتایی به جامعه و تفکیک آن به نخبه و توده در رویکرد کلاسیک نوعی پیش فرض بود. تئوری‌های کلاسیک نخبگان این حقیقت را پذیرفته بودند که در هر جامعه‌ای افرادی وجود دارند که قدرت بیشتری از دیگران داشته و تصمیمات اصلی را برای کل جامعه می‌گیرند. به زبانی دیگر، جامعه به دو دسته اکثریت و اقلیت، توده و نخبه تقسیم می‌شود که اولی تحت حکومت است و دومی حکومت می‌راند.

اندیشمندان کلاسیک درباره نخبگان، نقاط اشتراک جالب توجهی دارند. این سه اندیشمند در دو نکته بسیار شبیه‌اند: تقسیم‌بندی جامعه به نخبه و توده و ارائه شاکله‌ای از چرخش نخبگان. هر سه اندیشمند، تقابل نخبه و توده را اصل معتبر عامی در تاریخ بشریت می‌دانند. در دیدگاه آنان، توده در تمام زمان‌ها، و بدون در نظر گرفتن وضعیت توسعه و شکل حکومت، تحت حکومت نخبگان اندکی بوده‌اند که ابزار گوناگونی برای رسیدن به اهداف خود داشته‌اند نه تنها توده به لحاظ فکری پست‌تر بوده و هیجانانگیز و احساسات‌وی را اداره می‌کرده بلکه به صورت همزمان، و در حسی دوگانه، به صورت هم عینی و هم ذهنی خواهان رهبری بوده است.

پوتنام نیز اصول عامی برای تئوری‌های کلاسیک نخبگان که توسط موسکا، پارتو و میشلز ارائه شده، قائل است:

**اول** اینکه قدرت سیاسی به صورت نابرابر توزیع شده است همانطور که خبرهای اجتماعی دیگر اینگونه توزیع یافته‌اند و همانطور که افراد بر اساس داشتن این محصولات رتبه‌بندی می‌شوند، بر مبنای قدرت سیاسی نیز رتبه‌بندی می‌گردند. **دوم**، می‌توان افراد را به دو گروه تقسیم کرد، گروه اول کسانی هستند که دارای قدرت سیاسی هستند و گروه دوم که فاقد این قدرت‌اند. **سوم**، این که نخبگان همگون، منسجم و همچنین خودآگاه هستند، با این وجود نخبگان خود تداوم بخش‌اند و از قسمت‌های ویژه جامعه و بیشتر از بخش ثروتمند می‌آیند. **چهارم** این که این نویسندگان معتقدند که نخبگان خودمختار هستند (زونیس، ۱۳۸۷: ۱۱۴)، است که ناشی از تأکید زیاد این نظریه‌پردازان بر استقلال نخبه است. همچنین تلاش اندیشمندان کلاسیک برای ارائه یک تئوری عام از نخبه موفق نبوده است، چرا که ایشان نه صورت‌بندی قابل پذیرش از نخبه ارائه داده‌اند و نه شرایط مناسبی از جایگزینی و تغییر نخبه مطرح کرده‌اند (مطیع، ۱۳۸۲: ۵۵).

### نخبه در دیدگاه‌های معاصر

در سال‌های اخیر مطالعات زیادی در کشورهای مختلف درباره نخبگان صورت گرفته است. از جمله پری<sup>۱</sup> (۲۰۰۵/۱۹۶۹) در بریتانیا، دای<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) در ایالت متحده، دوگان<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) در فرانسه، هیگلی، دی‌کون و اسمارت<sup>۴</sup> (۱۹۷۹) در استرالیا، هافمن-لانگ<sup>۵</sup> (۱۹۹۲) در آلمان، کریستیانسن، مولر و توگی<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) در دانمارک و گلبراندسن و انگلستاد<sup>۷</sup> (۲۰۰۲) در نروژ هر چند برخی معتقدند تفاوت چندانی بین انواع نظریه در این زمینه وجود ندارد و برچسب‌های مختلف برای ارجاع به مفهومی یکسان بکار رفته و مفاهیم مختلف توسط برچسبی مشابه پوشش داده شده است. مفهوم نخبگان سیاسی به شکل طبقه حاکم، طبقه سیاسی، نخبگان قدرت، نخبه و گروه

1 . Geraint Parry

2 . Dye

3 . Dogan

4 . Higley, Deacon & Smart

5 . Hoffmann-Lange

6 . Christiansen, Moller & Togeby

7 . Gulbrandsen and Engelstad

رهبری به کار رفته است. اما نمی‌توان این نظر را جدی قلمداد کرد. چرا که صاحب‌نظران از ابعاد مختلف این مفهوم را در نظر گرفته و حتی می‌توان دو رویکرد عمده ۱- کارکردگرا و ۲- انتقادی به نخبگان نسبت داد که در برابر یکدیگر قرار دارند (میلز، ۱۳۸۳: ۹۶).

### نقش نخبگان در توسعه

نقطه اشتراک تمام صاحب‌نظران در حوزه مطالعات نخبگان، تأکید بر نقش برجسته نخبگان در تغییرات و اثرگذاری‌های اجتماعی است، به طوری که «اثربخشی» در بسیاری از تعاریف نخبگان، مفهوم مرکزی بود. همانطور که در بخش «بررسی مفهوم و صورت‌بندی نخبگان» ارائه شد، تمام صاحب‌نظران با رویکردها و صورت‌بندی‌های مختلفی که از نخبه ارائه کردند، مکانیسم‌های مختلفی برای تبیین این اثربخشی و تأثیرگذاری ارائه دادند. می‌توان این مکانیسم‌ها را در دو مقوله کلی «وفاق» و «تضاد» نخبگان جای داد؛ هرچند درون این قالب‌بندی می‌توان مکانیسم‌های متفاوتی ارائه داد. بسیاری از اندیشمندان (اغلب متفکران رویکرد کارکردگرا از قبیل شومپیتر ۱۹۴۰، رابرت دال، جیووانی سارتوری، لیپست، روستو، جووان لینز، آلفرد استفان، پوتنام، لاری دیاموند، هیگلی و برتون ۲۰۰۶، بوند ۲۰۰۷، پریجون ۲۰۱۲، روشه ۱۳۶۶، مانهایم ۱۹۳۵، چلبی ۱۳۷۵، سریع‌القلم ۱۳۷۹، نقیب‌زاده و صادقی‌زاده ۱۳۹۰) بر لزوم وفاق (اجماع) نخبگان برای رسیدن به توسعه تأکید داشته‌اند. اما در مقابل، نحله انتقادی اساس روابط بین نخبگان را مبتنی بر تضاد نخبگان (موسکا، پارتو، لاجمن) می‌دانند و آن را به عنوان نیروی محرک تغییرات (مثبت یا منفی) می‌دانند. در خلال بررسی مفهوم نخبگان به بررسی نقش نخبگان از نظر اندیشمندان مختلف پرداختیم. در این قسمت برخی رویکردهای تکمیلی را ارائه خواهیم کرد.

برخی از محققان، نخستین گام به سوی توسعه در هر جامعه را اجماع نظری میان نخبگان (سریع‌القلم ۱۳۷۹: ۵۳، نقیب‌زاده و صادقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۸) بر نامطلوب بودن وضعیت موجود و اتفاق نظر در راستای تغییر این شرایط می‌دانند و تئوری نخبگان و حوزه نخبگی را مرکز ثقل بحث توسعه‌یافتگی می‌دانند (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۵۶) و مکانیسم‌ها و صورت‌بندی‌های مختلفی ارائه می‌کنند. نقیب‌زاده و صادقی‌زاده بر تفاهم میان سه حوزه‌ی نخبگی «صاحبان قدرت، صاحبان ثروت و صاحبان اندیشه» تأکید داشته و آن را موجب توسعه می‌دانند و معتقدند «این نخبگان باید به همزیستی مسالمت‌آمیز دست یابند و اهداف مشترک و منافع همگونی را شکل دهند تا تکلیف عمومی جامعه نیز روشن شود. نخبگان پراکنده نمی‌توانند جامعه‌ای منسجم ایجاد کنند (نقیب‌زاده و صادقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۴۲).

سریع‌القلم دو گروه «نخبه فکری و ابزاری» و «اجماع» آنان را شرط توسعه می‌داند. وی تأثیر این نخبگان را اینگونه بیان می‌کند: منظور از نخبگان فکری، اندیشمندان، نظریه‌پردازان و متفکرین یک جامعه هستند و نخبگان ابزاری، صاحبان قدرت و ثروت می‌باشند. یکی از شروط اساسی توسعه یک کشور، اجماع نظر این دو گروه نخبه، راجع به مفاهیم ده‌گانه در سه حوزه فرهنگ (انسان، جامعه، دین، زندگی و زمان)، سیاست (دولت و قدرت) و ثروت (کار، ثروت و طبیعت) است. این مفاهیم دربرگیرنده بنیادی‌ترین تعاریف در فرهنگ اجتماعی، انسجام فرهنگی و تشکل اجتماعی می‌باشد. بنابراین، مسئولیت اصلی در زمینه افزایش کارایی و انسجام تئوری حاکم بر یک جامعه بر عهده نخبگان است. وظیفه نخبگان این است که زوایای تئوریک مثلث کشورداری را بر سه عنصر «علم، امنیت و مشروعیت» استوار گردانند؛ به گونه‌ای که این عناصر به شکل هنرمندانه‌ای با مبانی ارزشی و فرهنگی جامعه انطباق یابد (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۷۱).

در نقد این رویکردها بایستی گفت آن‌ها بیشتر تئوری‌های هنجاری هستند تا اثباتی. مطالعات تاریخی‌شان نشان می‌دهد که اساس روابط نخبگان مبتنی بر تضاد است نه وفاق. همانطور که پیش از این گفتیم، نوع روابط نخبگان و صورت‌بندی آنان خود معلول ساختارهای درونی و بیرونی است و هرچند نخبگان عاملیت بالایی دارند ولی این عاملیت درون ساختار معنا می‌یابد. به عنوان مثال کر و همکاران، در مطالعه خود تأثیر ساختار بیرونی بر صورت‌بندی نخبگان را مورد بررسی قرار داده‌اند و معتقدند نخبگان دست‌نشانده‌ی قدرت استعمارگر، «از طریق ایجاد یک نظام بروکراسی قدرتمند، گسترش سیستم آموزش جدید و تشویق و بسط تجارت و امور بانکداری، برخی از بسترهای لازم برای تحرک اقتصادی را فراهم نمودند؛ ولی به دلیل اینکه اساساً، قدرت استعمار مخالف توسعه واقعی کشور تحت استعمار است و منافعی را با مخاطره مواجه می‌کند و اینکه این زیرساخت‌ها در کنترل اتباع قدرت استعمارگر است، این تلاش‌ها در عمل نیز با ناکامی مواجه می‌کند و اینکه این زیرساخت‌ها در کنترل اتباع قدرت استعمارگراست، این تلاش‌ها در عمل نیز با ناکامی مواجه می‌گردد». بنابراین شرایط ساختاری، تأثیر بسزایی در نوع روابط (وفاق، تضاد، ائتلاف و...) نخبگان دارد که به نظر می‌رسد مطالعاتی که از «ضرورت وفاق بین نخبگان» سخن می‌گویند آن را در نظر نمی‌گیرند.

بشیریه در بررسی نقش نخبگان بر توسعه کشورهای در حال توسعه، نگاهی ساختاری دارد و بر نقش دو گروه از نخبگان، «نخبه برآمده از طبقه متوسط» و «نخبگان سیاسی درون حاکمیت» تأکید دارد.

طبقه متوسط به دلیل ویژگی‌هایی مانند داشتن مهارت‌ها و تجربیات خاص و نیز پایبندی به شیوه‌های جدید زندگی، نقش غیر قابل انکاری بر توسعه کشورها دارند. نخبگان سیاسی درون حاکمیتی، از جمله اثرگذارترین گروه‌های نخبگی در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آیند. در بیشتر اوقات، هرگاه این گروه از نخبگان، از میان ملی‌گرایان و یا روشنفکران انقلابی برخاسته باشند، آن‌ها توسعه را اتخاذ نموده و در تعیین مسیر رشد اقتصادی سهم بسیار مهمی را بر عهده می‌گیرند. بیان این موضوع نیز لازم است که در برخی از جوامع، نخبگان سیاسی توسعه‌گرا، نه از میان ملی‌گرایان و یا روشنفکران انقلابی؛ بلکه بین نظامیان هستند. برتری نظامیان از نظر سازمانی، توانایی بسیج و ابزارهای مورد استفاده، در کنار ضرورت توسعه اقتصادی و نیاز به گروه‌های اجتماعی به عنوان مجری برنامه توسعه مطرح شوند و با رسیدن به قدرت، آغاز و هدایت توسعه را عهده‌دار شوند. نظامیان در بیشتر مواقع با منافع طبقات‌متوسط جدید همسو بوده‌اند؛ از همین رو، ارتش در این کشورها، متأثر از ایدئولوژی طبقات متوسط به ویژه اندیشه ناسیونالیسم و توسعه اقتصادی بوده است (بشیریه، ۱۳۷۶: ۱۶۲-۲۷۰).

راگویزا با نقد تبیین‌هایی که بر مدل «دولت توسعه‌گرا» تأکید دارند، بر نقش نخبگان در توسعه اقتصادی تأکید دارد و می‌نویسد: مدل دولت توسعه‌گرا در کشورهای با اقتدار مرکزی قوی و اقتصادهای بزرگ مثل چین، هند و برزیل همخوانی دارد ولی در کشورهای توسعه یافته اخیر مثل کشورهای جنوب شرق آسیا با دولت‌های متفاوت قابلیت تبیین ندارد. در حقیقت، تلاش نخبگان حاکم (از جمله سوکارنو در اندونزی، فیلیپون در تایلند، ماهاتیر در مالزی و مارکوس در فیلیپین) در کشورهای جنوب شرق آسیا برای تحقق سرمایه‌داری دولتی و تکرار موفقیت همسایگان شمال شرقی عامل اصلی توسعه اقتصادی بوده است... در این کشورها اول باید استعمار و دیگر میراث‌های تاریخی، اجازه پویایی اجتماعی را به سیاست‌گذاران بدهد (راگویزا، ۲۰۱۲: ۶).

بنابراین راگویزا نیز بر تأثیر ساختار درونی و بیرونی بر عاملیت نخبگان در کشورهای جنوب شرق آسیا تأکید دارد و در نهایت توسعه اقتصادی مالزی، اندونزی، فیلیپین و تایلند را ناشی از دو عامل می‌داند: اول، جاگیری رهبران سیاسی ملی و تکنوکرات‌های اقتصادی در دولت یا نهادهای سیاسی و دوم، ترتیبات نهادی بین این دو مجموعه از نخبگان حاکم (راگویزا، ۲۰۱۲: ۸).

روشه معتقد است نخبگان از طریق دو مکانیسم در تغییرات اجتماعی نقش دارند: تصمیم‌گیری و الگوسازی.

برخی از نخبگان به دلیل دارا بودن نقشی در مجموعه تصمیم‌گیری‌های درون جامعه، در کنش تاریخی آن مشارکت دارند و به همین دلیل اثر آن‌ها مستقیماً ظاهر می‌شود. همچنین نخبگان نفوذ خود را از طریق نوعی الگوسازی نیز اعمال می‌کنند، با توجه به اینکه آن‌ها سمبول‌های زنده‌ای از طرز تفکر، وجود و عمل هستند، نسبت به برخی دسته‌جات، گروه‌ها و یا بر کل افراد جامعه، قدرت جاذبه‌ای دارند و بنابراین مورد تقلید قرار گرفته و به عبارت دقیق‌تر دیگران سعی در همانندسازی خود با آن‌ها دارند (روشه، ۱۳۶۶، ص. ۱۵۹-۱۶۱).

وارگا، از اندیشمندان است که نخبگان را عاملی در مسیر توسعه سیاسی نظام سرمایه‌داری یاد می‌کند و حضور نیروهای انحصار طلب را منجر به خطر افتادن دموکراسی می‌داند. «انحصارطلبان، نمایندگان خود را به مقامات مهم اداری، به عنوان وزیر، سناتور، نماینده مجلس برمیگزینند و متقابلاً مقامات مهم دولتی مانند ژنرال‌ها دیپلمات‌ها و وزرا به پست‌های پردرآمدی در انحصارها به کار اشتغال می‌ورزند... کلیه تصمیمات مهم از این دو مرکز مهم یعنی سازمان‌های قدرت و رهبران بخش خصوصی ناشی می‌گردد» (ایوانز، ۱۹۹۰: ۷۶).

شومپیتز بر نوع خاصی از نخبگان اقتصادی تأکید دارد. از نظر او، ویژگی اصلی توسعه اقتصادی، نه بسیج پس‌اندازها به وسیله سرمایه‌داران برای «تأمین مالی انباشت سرمایه مولدتر» بلکه اقدامات کارآفرینان برای بسیج اعتبارات، به منظور تأمین مالی تدارک عوامل تولید موجود، جهت ترکیب آنها به روشهای جدید است. در روند توسعه، نوآوری جایگاه بسیار مهمی دارد و کارآفرینان همان نوآوران‌اند (هانت، ۱۳۷۶: ۳۹). او در مورد کارآفرینان می‌نویسد:

سرمایه‌دار منابع مالی را تأمین می‌کند و مخاطرات آمیخته با توسعه اقتصادی را می‌پذیرد، اما توسعه اقتصادی به دست وی تحقق نمی‌یابد. این کار را کارآفرینی انجام می‌دهد که بصیرت لازم را برای استفاده از فرصت‌های جدید دارد و ابتکار پیگیری این فرصت‌ها را به عهده می‌گیرد. او سرمایه‌داران را متقاعد به تأمین منابع مالی لازم می‌کند و از این منابع برای ایجاد ترکیب جدیدی از عوامل تولید استفاده می‌برد. در غیاب افرادی که این‌گونه استعدادها نوآوری و سازماندهی و نیز انگیزه استفاده از آنها را دارند، توسعه اقتصادی تحقق نمی‌پذیرد. در مراحل اولیه انقلاب صنعتی، معمولاً کارآفرین و سرمایه‌دار یک نفر، یعنی همان کارخانه‌دار بود، اما در جوامع صنعتی پیشرفته عموماً این دو نقش از یکدیگر تفکیک می‌شوند و نقش کارآفرین را اغلب مدیران شرکت یا اعضای هیئت مدیره ایفا می‌کنند.

<sup>8</sup> Raquiza

<sup>9</sup> Evans

علاوه بر این، کارآفرینی، حرفه‌ای تمام وقت و دایمی نیست، بلکه نقشی است که افرادی معین در لحظه‌های مشخصی از زمان ایفا می‌کنند. هر فرد فقط زمانی که واقعاً ترکیب‌های جدیدی به وجود می‌آورد، یک کارآفرین است و به مجرد آن که کسب و کار خود را پی می‌گیرد و همچون دیگر افراد به اداره کسب و کار خود می‌پردازد دیگر کارآفرین نخواهد بود (هانت، ۱۳۷۶: ۳۸).

رویکردهای مختلف نخبگان و نظرات مختلف در مور نقش آنان در توسعه مورد بررسی قرار گرفت. رویکرد نظری این مطالعه مبتنی بر صورت‌بندی نخبگان و نوع روابط آنان با یکدیگر است. در واقع ساز و کار نقش نخبگان در توسعه هم از این منظر نگریسته خواهد شد. این که در نخبگان یک جامعه واحد باشند یا چندگانه و نوع روابط چه شکلی به خود بگیرد، تعیین کننده خواهد بود. در دو قسمت پایانی این فصل ابتدا به انواع روابط ممکن نخبگان می‌پردازیم، سپس تعریف خود از نخبگان و مناسبات آنان را ارائه خواهیم داد.

اصطلاح نخبه (Elite) برای اشاره و نامیدن گروه‌های اجتماعی برتر و دارای جایگاه و منزلت ویژه، مانند فرماندهان نظامی، اشراف زادگان و نظیر آن به کار گرفته می‌شد. به نوشته فرهنگ انگلیسی آکسفورد، اصطلاح نخبه تا اواخر قرن نوزدهم به طور وسیع متداول نبود، اما پس از طرح نظریات نخبه‌گرایانه در دهه‌های آغازین قرن بیستم، کاربرد آن رواج گسترده‌ای پیدا کرد و عمومیت یافت. (کریمی فرد، ۱۴۰۰، ۱۲) گاتنوموسکا اولین اندیشمندی است که در مورد نخبگان به نظریه پردازی پرداخت. وی یک تمایز اصولی بین نخبگان و توده‌ها به وجود آورد. موسکا معتقد است که انسان به تنهایی و بدون کمک طبقه ویژه نمی‌تواند حکومت کند و بالطبع، تمام مردم هم هیچوقت نمی‌توانند به حکومت برسند، زیرا نه لیاقت، نه علاقه و نه عمل مشترک را برای این مهم دارا می‌باشند. از اینرو موناشری و دمکراسی در عمل امکانپذیر نیست، بلکه همواره یک اقلیتی که حتی از آریستوکرات‌ها هم متمایز است، بر اکثریت حکومت می‌کند. طبقه حاکم اقلیت سازمان یافته‌ای را تشکیل می‌دهد که قدرت حکومت را در انحصار داشته و از تمام امتیازاتی که قدرت به همراه می‌آورد، برخوردار است. به نظر موسکا، ثروت و لیاقت ملاک‌های مهمی برای عضویت در طبقه سیاسی به شمار می‌روند. موسکا معتقد است که هرگونه دگرگونی و تحول اجتماعی اساساً به اقلیت سازمان یافته مربوط می‌شود و آنان نقش مهمی در این باره ایفا می‌کنند (تمنده، ۱۴۰۰، ۱۵). در مجموع می‌توان گفت از دیدگاه موسکا، نخبگان سیاسی شامل افراد و شخصیت‌هایی هستند که قدرت سیاسی را اعمال می‌کنند و یا در اعمال قدرت سیاسی نفوذ چشمگیری دارند. وی همچنین معتقد است حرکت تاریخ اساساً تحت تأثیر منافع و ایده‌های نخبگان بر سریر قدرت انجام می‌گیرد و اینان نقش تعیین کننده‌ای در تحولات جامعه ایفا می‌نمایند.

در زمینه توسعه سیاسی لوسین پای و ساموئل هانتینگتون از جمله اولین متفکرانی هستند که مقوله توسعه سیاسی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و متون توسعه سیاسی به میزان قابل توجهی از اندیشه‌های این دو متأثر است. لوسین پای توسعه سیاسی را در هفت گروه طبقه‌بندی نموده است: ۱. توسعه سیاسی شرط سیاسی لازم و اساسی برای توسعه صنعتی و اقتصادی است؛ ۲. توسعه سیاسی عبارت از کارایی بالای حکومت است؛ ۳. توسعه سیاسی عبارت از حاکم شدن الگوی نوین بر الگوی رفتاری سنتی است؛ ۴. توسعه سیاسی عبارت است از افزایش کارایی و ظرفیت نظام برای پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های در حال گسترش مردم است؛ ۵. توسعه سیاسی ایجاد دولت-ملت قوی با کارایی مؤثر در دنیای نوین است؛ ۶. توسعه سیاسی عبارت است از توانایی پایه‌ریزی و شکل دادن به بیشترین منابع داخلی در راستای کسب قدرت ملی؛ ۷. توسعه سیاسی به معنی توسعه دمکراتیک است؛ به عبارت دیگر، توسعه سیاسی مساوی است با استقرار دمکراسی. بر این اساس توسعه سیاسی و توسعه یافته بودن دولت، به معنی آزادی بیشتر، حاکمیت مردم و وجود نهادهای آزاد است (راکوینزا<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۲: ۶). همچنین به عقیده ساموئل هانتینگتون، درجه اشتراک اجتماعی در یک جامعه پیچیده به نیرو و دامنه نهادهای سیاسی آن بستگی دارد. هانتینگتون توسعه سیاسی را با توجه به نهادمندی، میزان رشد صنعتی و اقتصادی، تحرک اجتماعی و مشارکت سیاسی مورد ارزیابی قرار می‌دهد (ایوانز<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۰: ۷۶). به اعتقاد او، مشارکت مردم در فعالیت‌های سیاسی و سیاسی شدنشان مهمترین عاملی است که یک دولت نوین را از یک دولت سنتی متمایز می‌سازد. به نظر او "بنیادی‌ترین جنبه نوسازی سیاسی، مشارکت سیاسی مردم در سطحی بالاتر از دهکده و شهر، دخالت گروه‌های اجتماعی سراسر جامعه در سیاست، و ساخته و پرداخته شدن نهادهای سیاسی نوین برای سازمان دادن این مشارکت است (بشیریه، ۱۳۷۶: ۱۶۲-۲۷۰). هر دو این نظریه پردازان (پای و هانتینگتون)، یکی از معیارهای اصلی خود را برای ارزیابی توسعه سیاسی در یک کشور، مشارکت سیاسی و توسعه دمکراتیک دانسته‌اند. که این معیار دارای زیر مجموعه‌هایی همچون: مشارکت سیاسی داوطلبانه مردم، آزادی احزاب، گروه‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی، آزادی انتخابات، فعالیت آزادانه و بدون سانسور مطبوعات مستقل و رسانه‌های ارتباط جمعی، نظام سیاسی باز و پاسخگو به مردم، آزادی بیان، آزادی

<sup>10</sup> Raquiza

<sup>11</sup> Evans

اجتماعات مسالمت آمیز و... می باشد، که برخورد مناسب هر دولتی با این مؤلفه ها می تواند به پیشرفت توسعه سیاسی در آن کشور بیانجامد.

### ۲- روش پژوهش

در مطالعه حاضر از آنجایی که هدف اصلی از انجام این پژوهش، تبیین مدل عوامل موثر بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام با تاکید بر نقش نخبگان رسمی می باشد لذا با توجه به ماهیت پژوهش حاضر می توان گفت از نظر هدف، کاربردی محسوب می شود. همچنین از نظر ماهیت روش جزء تحقیقات آمیخته می باشد و از نظر روش گردآوری داده ها نیز به صورت کیفی- کمی می باشد که در قسمت کیفی از روش دلفی جهت شناسایی عوامل موثر بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام استفاده خواهد شد و در قسمت کمی نیز برازش مدل انجام خواهد شد.

جامعه آماری این تحقیق در بخش کیفی شامل ۳۰ تن از خبرگان، اساتید و نخبگان محلی بودند. روش نمونه گیری برای بخش کیفی تحقیق از نوع غیر تصادفی و گلوله برفی می باشد و حجم نمونه تا زمان اشباع نظری ادامه پیدا می کند. پس از دستیابی به مولفه های عوامل موثر بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام، در بخش دوم و جهت آزمون مدل در قسمت کمی، داده های مورد نیاز از جامعه آماری این بخش شامل نخبگان محلی استان ایلام به تعداد ۳۸۴ نفر در نظر گرفته می شود. شایان ذکر است، از آنجایی که حجم جامعه آماری نامحدود فرض شده است این محاسبه با سطح خطای ۵ درصد صورت می گیرد، لذا حجم نمونه آماری با توجه به فرمول کوکران (تعیین حجم نمونه از جامعه آماری نامحدود) نیز عدد ۳۸۴ نفر را تأیید می نماید.

از آنجا که ابزار اصلی جمع آوری در تحقیق حاضر، پرسشنامه بوده است، بنابراین بررسی وضعیت پایایی پرسشنامه بخشی از فعالیت های محقق بوده است. مشکل پایایی ابزار سنجش معمولاً متأثر از عوامل گوناگونی است که بعضی عوامل روی آن اثر منفی می گذارند. محقق با علم به تأثیر عوامل گوناگون، تلاش نموده تا اکثر عوامل مخرب در فرایند انجام روش دلفی در این پژوهش، بر اساس تعریف موضوع، تخصص های مورد نیاز تعیین و اعضای پانل دلفی در سه مرحله و با استفاده از روشهای نمونه گیری غیراحتمالی، شناسایی و کدگذاری شاخص های اصلی و تقسیم شاخص های اصلی به زیر مولفه ها و زیرکدها، اقدام گردید. در مرحله اول روش دلفی، ابتدا موضوع و ابعاد آن تعریف شد. با مطالعه گسترده پیرامون مباحث نقش نخبگان در توسعه از دیدگاه صاحب نظران داخلی و خارجی شناسایی گردید. همزمان با شناسایی و تعیین اعضای پانل و مکاتبه با هر یک از آنان و توضیح برخی مولفه های استخراج شده در مبانی نظری (برخی موارد به صورت حضوری) از آنان خواسته شد تا مؤلفه هایی که احیاناً مد نظر قرار نگرفته اند پیشنهاد دهند درحقیقت در مرحله اول دلفی با کمک اعضای پانل، سیاهه ای از عوامل مؤثر بر نقش نخبگان در توسعه سیاسی و اقتصادی احصا و تحلیل گردید. تحلیل گردید. در این پژوهش برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل، از ضریب همابستگی کندال<sup>۱۲</sup> استفاده گردید. نتایج نهایی پانل تحقیقی خبرگان و کدگذاری نهایی آن در جدول ۱ قابل مشاهده می باشد.

لازم به ذکر است که پس از بررسی ادبیات پژوهش و استخراج مولفه هایی جهت شناسایی عوامل موثر بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام با تاکید بر نقش نخبگان، بر اساس مولفه های استخراج شده پرسشنامه ای محقق ساخته طراحی گردید که بین اعضای پانل دلفی و در دو دور توزیع گردید و در نهایت پرسشنامه نهایی (جدول ۱) حاصل گردید که میانگین و انحراف استاندارد و ضریب کندال هر گویه نیز در آن مشخص شده است. همچنین لازم به ذکر است که جدول (۱) در پاسخ به سوال زیر حاصل شده است:

**سوال اول: عوامل موثر بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام با تاکید بر نقش نخبگان کدامند؟**

**جدول ۱- میانگین شاخص های هریک از عوامل به دست آمده از نظرات خبرگان**

متغیر (شاخص اصلی)	سؤالات	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کندال
احساس امنیت سیاسی	نخبگان، احساس ایمنی از خطر و ریسک در فعالیت سیاسی دارند.	2.4000	1.50555	۰/۷
	نخبگان، احساس آزادی مصرح در قانون اساسی در فعالیت سیاسی دارند.	2.8889	1.36423	۰/۹
انگیزش	نخبگان، احساس رضایتمندی از فعالیت سیاسی خود را دارند.	2.8000	1.22927	۰/۵
	نخبگان به اهداف و ارزشها در جهت توسعه کشور نگاه مثبتی دارند.	2.6000	1.71270	۰/۷

<sup>12</sup> Kendall's Coefficient of Concordance (W)



۰/۵	1.28668	2.9000	نخبگان، از فضای حاکم بر کشور رضایت دارند.	
۰/۹	1.69967	3.0000	نخبگان در جهت توسعه کشور، کمال‌گرا هستند.	
۰/۹	1.61933	3.2000	نخبگان، فضای علم و تحقیق کشور را در جهت توسعه مطلوب می‌دانند.	
۰/۹	.78881	2.2000	نخبگان در جامعه، احساس شان و منزلت اجتماعی بالایی دارند.	
۰/۵	1.47573	2.8000	نخبگان در انجام فعالیتهای خود برای توسعه کشور، میل به موفقیت بالایی دارند.	
۰/۷	1.47573	2.8000	نخبگان برای انجام فعالیتهای خود در جهت توسعه کشور، احساس عدالت می‌کنند.	
۰/۹	1.37032	3.1000	ارزش و اهمیت کار نخبگان در جهت توسعه کشور قابل تقدیر است.	
۰/۵	1.26491	2.6000	نخبگان، باید وظایف توسعه بخشی مثبتی را که مبتنی بر سیاست تثبیت شده ملی است بپذیرند و به آن عمل کنند.	توسعه‌گرایی
۰/۷	1.50555	2.4000	دولت این حق را دارد که به نفع اهداف توسعه‌ای در فعالیت‌های نخبگان مداخله کرده یا آنها را محدود کند.	
۰/۱	1.57762	2.4000	نخبگان، باید در کنار مسئولیت و تعهد اجتماعی از آزادی هم برخوردار باشند.	
۰/۵	1.56702	2.3000	نخبگان، باید تعهدات مشخصی را در مورد جامعه بپذیرفته و انجام دهد.	فرهنگ‌سازی
۰/۹	1.41814	2.7000	این تعهدات باید در کنار رعایت اصول حرفه‌ای مانند آگاهی بخشی، حقیقت‌یابی و... باشد.	
۰/۷	1.68655	2.8000	نخبگان، باید تا حد امکان از پرداختن به مسائل تنش‌زا و خشونت‌زا پرهیز کنند.	
۰/۵	1.35401	2.5000	نخبگان، از سیاست زدگی در فضای علمی دانشگاه پرهیز می‌کنند.	بافت جامعه اسلامی
۰/۵	1.31656	2.8000	نخبگان، از کرسی‌های نظریه‌پردازی حمایت می‌کنند.	
۰/۵	1.41814	2.3000	نخبگان، قوانین و مقررات تسهیل‌گر برای دانش‌پژوهان را تدوین می‌کنند.	
۰/۵	1.56702	2.3000	نخبگان، به دیدگاه اندیشمندان و بزرگان جامعه احترام می‌ارزند.	
۰/۷	1.42984	2.4000	نخبگان برای انجام هر فعالیتی، چشم‌انداز و رسالت دارند.	جهت‌گیری استراتژیک
۰/۹	1.42984	2.6000	نخبگان برای انجام هر فعالیتی، اهداف و استراتژی خاصی دارند.	
۰/۵	.97183	2.5000	محیط چالشی و متغیر جامعه، نخبگان را به فکر پیشرفت توسعه‌یادار می‌کند.	فضای رقابت علمی
۰/۵	.94868	2.7000	وجود فرصت‌های مناسب جهت پیشرفت علمی نخبگان، به پیشرفت توسعه کشور کمک می‌کند.	
۰/۷	1.22474	2.3333	ورود نیروهای جوان کارآمد به عرصه علمی به پیشرفت توسعه کشور کمک می‌ند.	
۰/۵	1.03280	2.2000	وجود رقابت برای آینده‌سازی و آینده‌نگاری به پیشرفت توسعه کشور کمک می‌کند.	
۰/۵	1.05409	2.1111	توجه به مهارت و تجربه نخبگان در تصمیم‌گیری مسائل کشور به پیشرفت توسعه کشور کمک می‌کند.	شایسته‌سالاری در جامعه
۰/۷	۱۸۱۳۵۳	۲۸۰۰۰	توجه به تخصص، دانش نخبگان در تصمیم‌گیری مسائل کشور به پیشرفت توسعه کشور کمک می‌کند.	
۰/۷	۱۵۰۵۵۵	۲۴۰۰۰	توجه به قابلیت و صلاحیت‌های نخبگان در تصمیم‌گیری مسائل کشور به پیشرفت توسعه کشور کمک می‌کند.	
۰/۷	1.03280	2.2000	وجود سابقه فعالیت تشکلهای سیاسی نخبگان بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار است.	نهادمندی سیاسی
۰/۷	1.05409	2.1111	تعدد و تنوع تشکلهای سیاسی نخبگان بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار است.	
۰/۹	۱۸۱۳۵۳	۲۸۰۰۰	کارآیی تشکلهای سیاسی نخبگان بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار است.	
۰/۷	۱۵۰۵۵۵	۲۴۰۰۰	کارآمدی تشکلهای سیاسی نخبگان بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار است.	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

حال با توجه به ضریب کندال به دست آمده برای هر یک از شاخص‌های فوق می‌توان گفت از نظر خبرگان کلیه شاخص‌های فوق به عنوان معیاری از نقش نخبگان در توسعه هستند. میانگین کلیه شاخص‌ها بیشتر از حد وسط مورد نظر پژوهش می‌باشد. بنابراین این شاخص‌ها مهمترین شاخص‌ها شناخته شدند که در ساختار پرسشنامه نهایی استفاده شده‌اند. همچنین در این پژوهش برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل، از ضریب هماهنگی کندال استفاده شد. ضریب هماهنگی کندال مقیاسی است برای تعیین درجه هماهنگی و موافقت میان چندین دسته رتبه مربوط به N شیئی یا فرد. در حقیقت با کاربرد این مقیاس می‌توان همبستگی رتبه‌ای میان K مجموعه رتبه را یافت. ضریب هماهنگی کندال نشان می‌دهد که افرادی که چند مقوله را بر اساس اهمیت مرتب کرده‌اند، اساساً معیارهای مشابهی را برای قضاوت درباره اهمیت هر یک از مقوله‌ها به کار برده‌اند و از این لحاظ با یکدیگر اتفاق نظر دارند. این مقیاس با استفاده از فرمول ۱ محاسبه شده است.

#### فرمول ۱- معناداری آماری ضریب W

$$W = \frac{s}{\frac{1}{12}k^2(N^3 - N)}$$

یعنی حاصل جمع s که در صورت وجود موافقت کامل بین k رتبه‌بندی مشاهده می‌شد. مقدار این مقیاس هنگام هماهنگی یا موافقت کامل برابر با یک و در زمان نبود کامل هماهنگی برابر با صفر است. «اشمیت<sup>۱۳</sup>» برای تصمیم‌گیری درباره توقف یا ادامه دوره‌ای دلفی دو معیار آماری ارائه می‌کند.

#### ۴- یافته‌های قسمت کمی پژوهش

در این قسمت و پس از استخراج مولفه‌های عوامل موثر بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام با تاکید بر نقش نخبگان از طریق تکنیک دلفی، به روایی و پایایی مولفه‌های حاصل شده و در نهایت ارائه مدل و برازش آن می‌پردازیم. لذا سوالی که برای این قسمت مطرح می‌شود بدین گونه است که

**سوال دوم: مدل توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام با تاکید بر نقش نخبگان چگونه است؟**

**سوال سوم: آیا مدل توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام با تاکید بر نقش نخبگان دارای برازش مطلوب است؟**

لازم به ذکر است که در این مقاله پس از ارائه و تبیین مدل و استخراج مولفه‌های مناسب فرضیه‌هایی به شرح زیر می‌توان تدوین نمود:

۱. احساس امنیت سیاسی نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.
۲. انگیزش نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.
۳. شایسته‌سالاری نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.
۴. توسعه‌گرایی نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.
۵. بافت جامعه اسلامی بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.
۶. فرهنگ سازی نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.
۷. فضای رقابت علمی بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.
۸. اجتهاد گیری استراتژیک نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.
۹. نهادمندی سیاسی نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.

#### ۴-۱- روایی و پایایی پژوهش

پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش یک پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که شامل ۳۶ گویه است. جهت محاسبه روایی در این پژوهش، از دو روش روایی صوری و روایی سازه استفاده شده است.

بر اساس یافته‌های جدول ۲ مشاهده می‌شود در تحلیل عاملی با توجه به اینکه اندازه میانگین کفایت نمونه گیری ( $KMO^{14}$ ) حدود ۸۱ درصد است لذا می‌توان از تحلیل عاملی استفاده نمود. شاخص  $KMO$  هرچه به یک نزدیکتر باشد بهتر است. در این پژوهش مقدار این شاخص در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲- اندازه کفایت نمونه‌گیری  $KMO$  و آزمون کرویت بارتلت در آزمودنی‌های پژوهش

۰/۸۱۲		اندازه کفایت نمونه‌گیری $KMO$
۱۳۲۹۰/۵۷۲	مجذور خی	آزمون کرویت بارتلت
۶۳۰	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معنی داری	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به آن چه که بیان شد و مقادیر به دست آمده برای شاخص  $KMO$  با مقدار ۰/۸۱۲ و بالاتر از میزان ۰/۷ می‌باشد لذا سؤالات پرسشنامه شرایط لازم برای اجرای تحلیل عاملی را دارا می‌باشد.

در این پژوهش نیز به منظور سنجش پایایی از یک نمونه اولیه شامل پرسشنامه پیش آزمون شد و سپس با استفاده از داده‌های به دست آمده از پرسشنامه، میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقادیر به دست آمده از محاسبه ضریب آلفا به تفکیک در مورد متغیر بالاتر از ۰/۷ هستند بنابراین پایایی پرسشنامه این پژوهش قابل قبول و بالا می‌باشد.

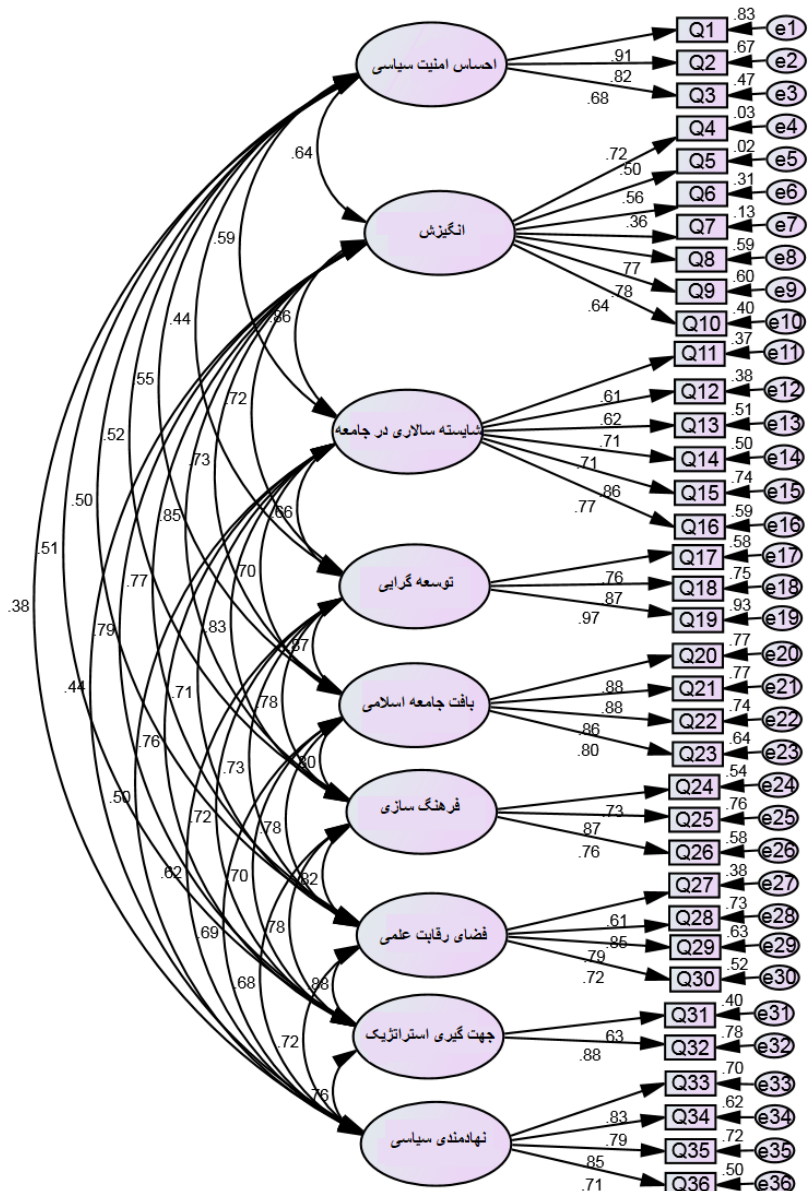
جدول ۳- ضریب پایایی آزمودنی‌های تحقیق

متغیر	تعداد گویه های مربوط به هر متغیر	آلفای کرونباخ هر متغیر	منبع پرسشنامه
احساس امنیت سیاسی	۳	۰.۹۱۳	محقق ساخته
انگیزش	۸	۰.۸۰۴	
شایسته سالاری در جامعه	۶	۰.۹۳۸	
توسعه گرایی	۳	۰.۸۵۶	
بافت جامعه اسلامی	۴	۰.۹۲۶	
فرهنگ سازی	۳	۰.۸۹۷	
فضای رقابت علمی	۴	۰.۸۲۶	
جهت گیری استراتژیک	۲	۰.۷۸۴	
نهادمندی سیاسی	۴	۰.۸۸۹	
آلفای کل	۳۶	۰.۹۷۰	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

شکل ۲ مدل اولیه پژوهش با بارعاملی را نشان می‌دهد برای روایی و برازش بهتر مدل گویه‌هایی که بارعاملی پایین‌تر از ۰/۳ هستند باید از مدل حذف گردند که در این مدل نیاز به حذف گویه‌ای نیست زیرا که بارهای عاملی همه متغیرها بالاتر از ۰/۳ می‌باشند.

<sup>14</sup> Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling



شکل ۲- مدل تحلیل عاملی مرتبه اول پژوهش با بارهای عاملی منبع: یافته‌های پژوهشگر

شاخص‌های برازش مدل اولیه پژوهش به شرح جدول ۴ می‌باشد.

جدول ۴- شاخص‌های برازش مدل اولیه

نوع شاخص	معادل فارسی	میزان استاندارد	برازش مدل
CMIN/DF	نسبت کای اسکوئر	$5 >$	۱/۹۵۴
NFI	شاخص برازش هنجار شده بنتلر-بونت	$0.90 <$	۰/۸۶۱
RFI	شاخص برازش نسبی	$0.90 <$	۰/۸۲۷
IFI	شاخص برازش افزایشی	$0.90 <$	۰/۸۸۸
TLI	شاخص برازش توکر-لویس	$0.90 <$	۰/۸۷۷
CFI	شاخص برازش تطبیقی	$0.90 <$	۰/۸۱۲
GFI	شاخص نیکویی برازش	$0.90 <$	۰/۸۵۴
RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	$0.08 >$	۰/۰۸۳

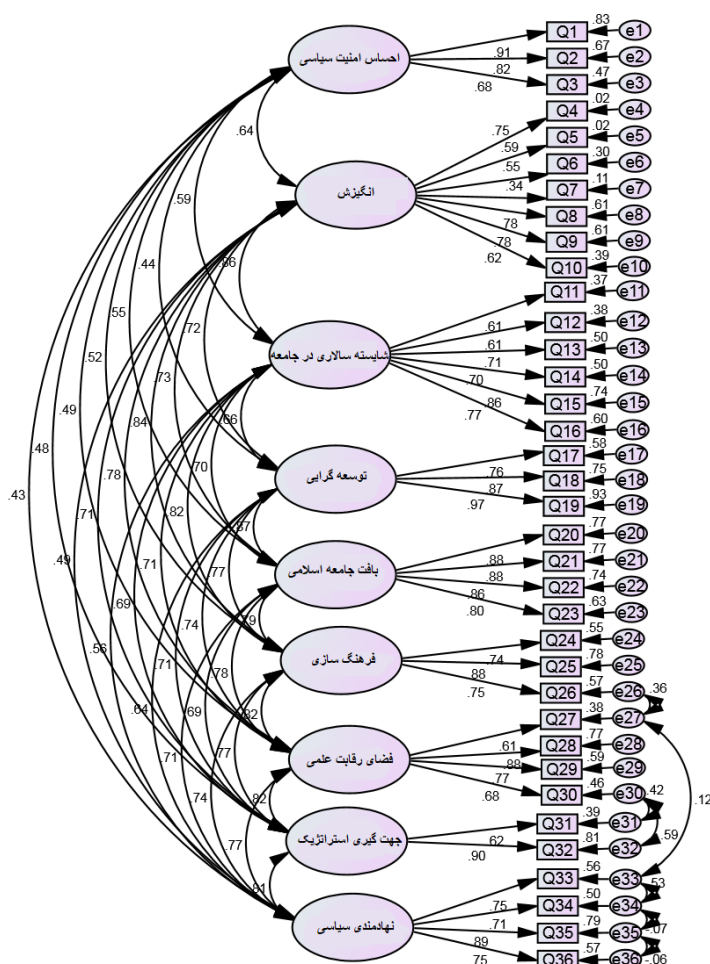
منبع: یافته‌های پژوهشگر

بر اساس جدول ۴ به جز نسبت کای اسکوئر بقیه شاخص‌ها در وضعیت نامناسبی قرار دارند بنابراین باید مدل اصلاح گردد. برای اصلاح مدل بر اساس پیشنهاد آموس بین گویه‌ها ارتباط دو سویه تا رسیدن به برازش مناسب طبق شکل برقرار گردید. پس از اصلاح شاخص‌های برازش طبق جدول ۵ بدست آمد.

جدول ۵- شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده

نوع شاخص	معادل فارسی	میزان استاندارد	برازش مدل
CMIN/DF	نسبت کای اسکوئر	$5 >$	۱/۵۱۴
NFI	شاخص برازش هنجار شده بنتلر-بونت	$0.90 <$	۰/۹۴۳
RFI	شاخص برازش نسبی	$0.90 <$	۰/۹۰۲
IFI	شاخص برازش افزایشی	$0.90 <$	۰/۹۵۶
TLI	شاخص برازش توکر-لويس	$0.90 <$	۰/۹۷۸
CFI	شاخص برازش تطبیقی	$0.90 <$	۰/۹۳۴
GFI	شاخص نیکویی برازش	$0.90 <$	۰/۹۵۹
RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	$0.08 >$	۰/۰۷۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر



شکل ۳- مدل اصلاح شده تحلیل عاملی مرتبه اول پژوهش با بارهای عاملی منبع: یافته‌های پژوهشگر

بر اساس جدول ۵ پس از اصلاح مدل نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی نیز بهبود یافت و به ۱/۵۱۴ رسید. شاخص‌های برازش تطبیقی نیز همگی پس از اصلاح مدل به بالاتر از ۹۰ درصد رسیدند و مناسب هستند. شاخص  $RMSEA^{15}$  نیز پس از اصلاح مدل بهبود یافت و

<sup>15</sup> Root Mean Square Error of Approximation

چون پایین‌تر از ۸ درصد (۰/۰۷۵) است، مناسب می‌باشد. بنابراین در کل مدل اصلاح شده از برازش خوب و مناسب برخوردار می‌باشد. منبع: یافته‌های پژوهشگر

بر اساس یافته‌های تحقیق نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی مدل برابر ۱/۷۰۳ و مناسب است. شاخص‌های برازش تطبیقی بالاتر از ۹۰ درصد و مناسب هستند. شاخص RMSEA پایین‌تر از ۸ درصد (۰/۰۷۹) و مناسب است. بنابراین در کل مدل از برازش خوب و مناسب برخوردار می‌باشد. جدول ۷ ضرایب و معناداری متغیرها و فرضیه‌ها را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که پس از برازش مدل نهایی می‌توان فرضیه‌هایی به شرح زیر تدوین نمود که در جدول ۷ مشخص است.

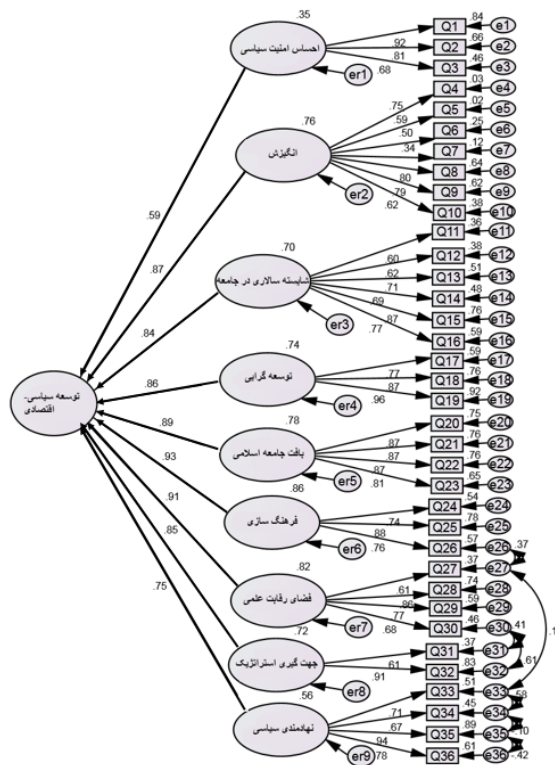
**جدول ۷- ضرایب مسیر روابط**

تعیین	ضریب استاندارد	سطح معناداری	نسبت بحرانی	خطای استاندارد	تخمین غیراستاندارد	مسیر	فرضیه
۰/۳۵	۰/۵۹۵	***	۳/۴۳۵	۰/۲۳۹	۰/۸۲۱	احساس امنیت سیاسی--> توسعه سیاسی- اقتصادی	احساس امنیت سیاسی نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.
۰/۷۵	۰/۸۷۰	***	۴/۶۸۹	۰/۲۳۸	۱/۱۱۶	انگیزش--> توسعه سیاسی- اقتصادی	انگیزش نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.
۰/۶۹	۰/۸۳۶	***	۳/۲۰۹	۰/۲۳۵	۰/۷۵۴	شایسته‌سالاری--> توسعه سیاسی- اقتصادی	شایسته‌سالاری نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.
۰/۷۲	۰/۸۵۸	***	۴/۱۸۴	۰/۲۵۶	۱/۰۷۱	توسعه‌گرایی--> توسعه سیاسی- اقتصادی	توسعه‌گرایی نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.
۰/۷۸	۰/۸۸۶	***	۵/۳۳۸	۰/۲۶۶	۱/۴۲۰	بافت جامعه اسلامی--> توسعه سیاسی- اقتصادی	بافت جامعه اسلامی بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.
۰/۸۵	۰/۹۲۶	***	۴/۲۸۱	۰/۲۶۷	۱/۱۴۳	فرهنگ سازی--> توسعه سیاسی- اقتصادی	فرهنگ سازی نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.
۰/۸۱	۰/۹۰۷	***	۴/۰۲۲	۰/۲۷۸	۱/۱۱۸	فضای رقابت علمی--> توسعه سیاسی- اقتصادی	فضای رقابت علمی بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.
۰/۷۲	۰/۸۵۱	***	۳/۴۶۱	۰/۲۶۷	۰/۹۲۴	جهت‌گیری استراتژیک--> توسعه سیاسی- اقتصادی	جهت‌گیری استراتژیک نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.
۰/۵۶	۰/۷۴۸	***	۳/۵۲۰	۰/۲۶۹	۰/۹۴۷	نهادمندی سیاسی--> توسعه سیاسی- اقتصادی	نهادمندی سیاسی نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام تاثیر دارد.

منبع: یافته‌های پژوهشگر

بر اساس نسبت بحرانی حاصل شده از جدول ۷ نشان داده شده است که احساس امنیت سیاسی نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام با ضریب ۰/۵۹۵ به صورت مستقیم تاثیر دارد. همچنین انگیزش نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام با ضریب ۰/۸۷۰ به صورت مستقیم تاثیر دارد. شایسته‌سالاری نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام با ضریب ۰/۸۳۶ به صورت مستقیم تاثیر دارد. احساس توسعه‌گرایی نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام با ضریب ۰/۸۵۸ به صورت مستقیم تاثیر دارد. بافت جامعه اسلامی بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام با ضریب ۰/۸۸۶ به صورت مستقیم تاثیر دارد. فرهنگ سازی نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام با ضریب ۰/۹۲۶ به صورت مستقیم تاثیر دارد. فضای رقابت علمی بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام با ضریب ۰/۹۰۷ به صورت مستقیم تاثیر دارد. جهت‌گیری استراتژیک نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام با ضریب ۰/۸۵۱ به صورت مستقیم تاثیر دارد و نهادمندی سیاسی نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام با ضریب ۰/۷۴۸ به صورت مستقیم تاثیر دارد.

با توجه به تایید تمامی فرضیه‌های پژوهش مدل نهایی تحقیق بر اساس شکل ۴ قابل تعمیم و بررسی است.



شکل ۴- مدل نهایی تحقیق منبع: یافته های پژوهشگر

## ۵- بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش پس از مطالعه مبانی نظری و پیشینه پژوهش به استخراج مولفه ها و شناسایی عوامل موثر بر توسعه سیاسی-اقتصادی استان ایلام با تاکید بر نقش نخبگان پرداخته شد و با استفاده از تکنیک دلفی و استفاده از پنل خبرگان، عوامل شناسایی شده مورد تایید قرار گرفتند و نهایی شدند سپس جهت برازش مدل و همچنین طراحی کردن فرضیه هایی در این راستا، عوامل شناسایی شده در مدلی قرار گرفتند و روایی و پایایی و نهایتاً برازش مدل نهایی تدوین گردید و در پی آن نیز فرضیه هایی مطرح شد که نتایج آن به شرح زیر می باشد.

احساس امنیت سیاسی نخبگان، انگیزش نخبگان، شایسته سالاری نخبگان، احساس توسعه گرایی نخبگان، بافت جامعه اسلامی، فرهنگ سازی نخبگان، فضای رقابت علمی، جهت گیری استراتژیک نخبگان و نهادمندی سیاسی نخبگان بر توسعه سیاسی- اقتصادی استان ایلام با ضریب به صورت مستقیم تاثیر دارند.

لذا در تبیین نتایج حاصل شده می توان گفت که پیشرفت های مقطعی و یا پیوسته کشور ایران را در سه دهه اخیر، می توان ناشی از اراده، مسئولیت پذیری و احساس دلبستگی نخبگان به کشور برشمرد که با وجود مشکلات فراوان و نبود زیرساخت های تکنولوژیکی، صدها شخصیت برجسته در رشته های مختلف، به تلاش مشغولند و نتایج بزرگی را در عرصه های مختلف بدست آوردند.

نقش نخبگان هر جامعه در افتخار و استقلال آن کشور نقشی بارز است، به طوری که یک نخبه می تواند خود به تنهایی جمعیتی را به دنبال خویش بکشد و اگر فردی خواستار موفقیت محیط اطرافش باشد، آن جمع را در راه توسعه راهنمایی می کند و اگر عکس آن باشد، می تواند با جریان سازی و پیش داوری با جاذبه های گرچه محدود خود، آن ها را برای به انزوا کشیدن راهنمایی کند. پس نقش نخبگان چه در حالت مثبت و چه غیر از آن مهم و قابل توجه است و نباید آن را نادیده گرفت.

نخبه باید با احساس مسئولیت به کشور و ملت خود، در عرصه کاری تلاش و فداکاری کند چرا که بدون علاقه به سرنوشت این دو، فرد نمی تواند در جامعه خود تأثیری واقعی و راهگشا داشته باشد. به طوری که می توان خروجی های نخبگان را معلول مسئولیت پذیری، علاقه و دلبستگی به توسعه کشور دانست. از طرفی هم نخبه کسی است که از فرصت های بدست آمده نهایت بهره و توان مفید را می برد و اساساً نخبه و نخبه گری دلیل نابغه گری شخصی نیست. به طور مثال یک نفر می تواند از لحاظ تحصیلی در سطوح متوسط باشد

ولی از استعداد‌های ذاتی خود در مسائل ورزشی به بهترین نحو ممکن استفاده کند که فرد نیز نخبه لحاظ می‌گردد. مباحث علمی و پژوهشی صرفاً یکی ملاک‌های نخبگی است.

با این نگاه که همیشه بزرگان کشور به مقوله‌ی تولید ملی جایگاه ویژه‌ای داده‌اند این سوال به ذهن هر انسان آگاهی متبادر می‌شود که چگونه این مهم تحقق پیدا می‌کند؟ آیا صرف یک شعار باید آسوده خاطر از محقق شدن باشیم؟ متغیرهای بسیاری در این امر نقش دارند که یکی از آنها، نیروی انسانی ماهر و خلاق است که ما از آن تحت عنوان نخبه یا سرآمد یاد می‌کنیم. شاید اهمیت وجود نخبگان در یک جامعه بر ما معلوم و مشهود نباشد. البته صرف توجه به نیروی انسانی به عنوان مهم‌ترین سرمایه نیز حائز اهمیت است.

فناوری بر اثر خلاقیت و تلاش نخبگان یک کشور به وجود می‌آید و ترقی می‌کند و باعث ایجاد اشتغال، رفاه، سودآوری، رشد و جلوگیری از خروج ارز و حتی ورود ارز به کشور می‌شود، اما ما وقتی فناوری تولید مایحتاج اولیه و تکمیلی خودمان را داشته باشیم آنگاه می‌توانیم بهتر زندگی کنیم و از امنیت بالای اقتصادی که امروزه با توجه به اهمیت تلویحی تولید ملی و حمایت از سرمایه ایرانی و هم‌چنین جایگاه ایران در جهان و منطقه امری مهم به حساب می‌آید، برخوردار باشیم. اکنون به همت سرآمدان و برگزیدگان جامعه دانشگاهی علاوه بر ارتقای ترازهای دانشگاهی، اقتصادی و علمی در حال رسیدن به مرتبه‌ای هستیم که سطح شاخص‌های مهم استراتژیک و تاثیرگذار بر منطقه آسیا افزایش یافته که همگی این مولفه‌ها حاکی از آن است که نخبگان کشور با وجود حمایت‌های نه چندان ایده‌آل در جهت خودکفایی و رشد، گام‌های موثری برداشته‌اند.

از طرفی هم نباید بیگانه‌ستیزی را در مباحث علمی مردود خواند و می‌بایست آمادگی آن را داشت که برای دستیابی به دانش فارغ از دین و مذهب، شاگردی کنیم. و از طرفی دیگر نباید همیشه شاگرد بمانیم بلکه باید در راستایی حرکت کنیم که ملت ایران در همه عرصه‌های جهانی به جایی برسد که دیگران شاگردی او را نکنند.

در ادامه در جدول ذیل، به برخی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش اشاره می‌گردد.

#### جدول ۸: گزیده‌هایی از پژوهش‌های انجام شده حوزه نخبگان و توسعه

پژوهشگر	موضوع پژوهش	یافته‌های پژوهش
نوریان (۱۳۹۳)	نقش نخبگان سیاسی در رشد و توسعه متوازن جوامع معاصر آسیایی	نخبگان سیاسی تأثیرات مثبت و بعضاً منفی در روند رشد و توسعه متوازن جوامع مورد تحقیق داشته‌اند.
زیباکلام و همکاران (۱۳۹۰)	نقش نخبگان سیاسی در توسعه سیاسی (۱۳۳۲-۱۳۵۷) ایران	نخبگان سیاسی ایران در دوره مذکور از طریق اقداماتی همچون ایجاد قدرت هرمی و سلسله‌مراتبی، سواستفاده از قدرت و فساد، ممانعت از برگزاری انتخابات آزاد و اعمال تقلب در انتخابات، سرکوب مطبوعات آزاد و مستقل و همچنین سرکوب احزاب و دسته‌جات مستقل نقشی بازدارنده در مسیر تحقق توسعه سیاسی در ایران ایفا نمودند.
پریزاد و حاتمی‌فر (۱۳۹۸)	بررسی نقش نخبگان اقتصادی در روند رشد و توسعه ایران بعد از انقلاب اسلامی	با توجه به نتایج این تحقیق به منظور رشد و توسعه پایدار اقتصاد می‌بایست بستر و زیرساخت اقتصادی کشور هموار گردد بنابراین طبق الگوی طراحی شده دانشگاه با رفع نیازهای پژوهشی و تحقیقاتی و



<p>همچنین با ایجاد نوآوری در محصولات و خدمات، رشد مستمر صنعت را فراهم کرده و با ارتقای سطح دانش، پیشرفت اقتصادی را میسر میسازد. این امر منجر می شود کشور در مقابل انواع تحریم ها مقاوم بوده و با استقلال اقتصادی، عزت و افتخار ملی را فراهم میکند.</p>		
<p>مطالعات تاریخی نشان دهنده نقش کلیدی نخبگان در تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. توجه بسیاری از کشورهای پیشرفته و توسعه یافته حاکی از آنست که نخبگان کشور بویژه نخبگان سیاسی حاکم با ایفای نقش اساسی خود در فرایند تصمیم گیری امور و اداره کشور تاثیر مهم در فرآیند توسعه ایفا می کنند</p>	<p>انسجام فکری نخبگان سیاسی درون حاکمیت و شکل گیری ثبات در نظام سیاسی</p>	<p>جلالی و غلامی (۱۳۸۹)</p>
<p>توسعه اقتصادی ایران، مستلزم اجماع ملی و حمایت از سیاست های اقتصادی تعیین شده می باشد. در مجموع باید گفت، توسعه اقتصادی نیازمند محیطی آرام و کم تنش، انسجام درونی نخبگان جامعه، تکثرگرایی سیاسی و مذهبی، ثبات سیاسی، و فرهنگ تلاش جمعی است.</p>	<p>مقایسه نقش نخبگان در فرایند توسعه اقتصادی ایران و مالزی با تأکید بر نظریه «آدریان لفت ویچ» (دوره ماهاتیر محمد و محمد خاتمی)</p>	<p>عینی و دلوری (۱۳۹۷)</p>

مزیت پژوهش حاضر نسبت به پژوهش های فوق و همچنین پژوهش های قبلی این است که مدل ارائه شده در این پژوهش، مدلی جامع و مبتنی بر عمل است که همزمان کوشیده است به اکثر متغیرهای مرتبط با موضوع تحقیق بپردازد و از این رو سعی دارد گامی کوچک در جهت همکاری با نخبگان برای پیشرفت هرچه بیشتر توسعه اقتصادی و سیاسی استان ایلام بردارد.

پژوهش حاضر به دلیل حساسیت زیاد موضوع آن، با مشکلات زیادی روبرو بوده است؛ از جمله:

الف) مهمترین مشکل به نحوه همکاری نخبگان بازمی گردد: اولاً در مرحله اکتشافی در جریان مصاحبه ها، کمتر نخبگان به صورت انفرادی حاضر به مصاحبه بودند و در جریان تشکیل پنل ها نیز تعدادی از آنها علیرغم دعوت و قرار رسمی به دلایل گوناگون از شرکت در جلسات پرهیز می کردند.

ثانياً در مرحله پیمایشی نیز تعدادی از تشکل های سیاسی که در نمونه قرار گرفته بودند، علی رغم تمام پیگیری ها، پرسشنامه ها را بی پاسخ گذاشتند. جالب توجه این است که هماین مشکل در پژوهش ماروین زونیس در سال های پایانی دهه ۴۰ شمسی نیز وجود داشته جمعیت نمونه ایشان نیز ۳۰۶ نفر از نخبگان سیاسی بوده که عملاً ۱۶۷ نفر مشارکت نموده اند.

ج) نتایج این تحقیق مانند سایر تحقیقات اجتماعی تابع زمان و مکان خواهد بود، قاعدتاً اگر این تحقیق در سال جاری تکرار شود، به نظر می رسد در سایه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و تغییر در سپهر سیاسی کشور می توان انتظار داشت تا نتایج جدیدتری بدست آید.

پیشنهاد های نظری که مربوط به سطح نظری تحقیق است عبارتند از:

۱) نخست آنکه بهتر آن است تا محققان مفاهیم محدودتری را برای آزمون برگزینند. منظور آن است که متغیرهای مستقل خود را محدودتر انتخاب کنند. برای مثال سرمایه فرهنگی و رویکرد نخبگان به توسعه اقتصادی - اجتماعی یا پایگاه اقتصادی، اجتماعی و رویکرد نخبگان به هر کدام نیازمند تحقیق مستقلی هستند و نیاز چندانی نیست که همه آنها در قالب یک تحقیق بررسی شوند.

۲) با توجه به فقدان یک تئوری جامع در زمینه مطالعه توسعه اقتصادی - اجتماعی در حوزه جامعه شناسی، بهتر است برای مطالعه ی فوق، با اتخاذ یک رویکرد تلفیقی و بین رشته ای، به تدوین چهار چوب نظری مبادرت نمود.

۳) از آنجا که اکثر تئوری های موجود، دارای ساختار غربی هستند لذا لازم است نظریه های مورد استفاده متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی و ... جامعه خود، بومی شوند و این امر مستلزم ارائه مهارت های نظری به دانشجوی، برای بومی کردن نظریه ها توسط اساتید دروس نظریه های جامعه شناسی است.

فهرست منابع

- Abrahamian, Yervand (1381). *Iran between two revolutions*, translated by Ahmad Golmohammadi, Mohammad Ebrahim Fattahi Valilaei, Tehran: NI.[in persian].
- Ansari, Mohammad Mahdi. (2011). *Examining the role of political elites in formulating the ideal policy model; in the Islamic Republic of Iran*. Islamic Revolution Journal, 2(5), 151-172.[in persian].
- Azghandi, Alireza (1370). *Arms race and the third world*, Tehran: Shahid Beheshti University. [in persian].
- Azghandi, Alireza (1377). *The ineffectiveness of Iran's political elites between the two revolutions*, Tehran: Qoms. [in persian].
- Azimi, Fakhreddin (1372). *The crisis of democracy in Iran*, translated by Abdolreza Hoshang Mahdavi, Bijan Nowzari, Tehran: Alborz. [in persian].
- Bashiriyeh, Hossein (2012). *Political Sociology*, Tehran: Nei Publishing. [in persian].
- Boroujerdi, Mohammad (2010). *Association of Southeast Asian Nations*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. [in persian].
- David, Fredar (2015). *Strategic Management*, translated by Ali Parsaian and Seyed Mohammad Arabi, Tehran: Cultural Research Office.
- Diamond, Larry, Rethin Cirilsoiety (1994). *Toward Democratic Consolidatin Journal of Democracy*.
- Drucker, Peter Ferdinand (2016). *Transcript by Peter Drucker*, translated by Fazalullah Amini, Tehran: Fara.
- Du Verge, Mauritius (1349). *Principles of Political Science*, translated by Abolfazl Ghazi, Tehran: Pocket Books Company.
- Dutoquil, Alexey (1362). *The French Revolution and the regime before it*, translated by Mohsen Salasi, Tehran: Silver.
- Eini, Rahim and Delavari, Reza and Montazeri, Seyed Saeed Reza, 2017, *Comparison of the role of elites in the economic development process of Iran and Malaysia with an emphasis on Adrian Leftwich's theory (Mahathir Mohammad and Mohammad Khatami period),,,,https:// civilica.com/doc/856282*[in persian].
- Enayat, Hamid (2004). *The Foundation of Political Philosophy in the West*, Tehran: Winter. [in persian].
- Foran, John (2015). *Fragile Resistance, History of Iran's Social Developments*, translated by Ahmad Tedin, Tehran: Rasa Cultural Services Foundation.
- Gan Dhir, Irene (1369). *Directing political transformation in the third world*, translated by Ahmad Tedin, Tehran: Sefir.
- Hafezian, Mohammad Hossein (2013). "The role of government structure and the nature of elites in development", PhD thesis, University of Tehran. [in persian].
- Homayun Katoozian, Mohammad Ali (1373). *Iran's political economy from constitutionalism to the end of the Pahlavi series*, translated by Mohammad Reza Nafisi and Kambiz Azizi, Tehran: Center. [in persian].
- Hosseinzadeh, Mohammad Saleh, Bayat, Bahram, Navabakhsh, Mehrdad. (2018). Sociological analysis of the role and social function of the political elite (power) in promoting the national security of the Islamic Republic of Iran. *Interdisciplinary Studies of Strategic Knowledge*, 8(31), 121-143. [in persian].
- Huntington, Samuel (1383). *Political order in societies undergoing transformation*, translated by Mohsen Talasi, Tehran: Alam.
- Jalali, Reza, Gholami, Mehdi. (1389). *The intellectual coherence of the political elites within the government and the formation of stability in the political system. International Relations Studies*, 3(12), 199-228. [in persian].
- Jamal A., Bill Robert Springborg (2000). *Politics in The middle East*, London: Langman. [in persian].
- Kennedy, Paul (1374). *Preparing for the 21st century until 2025*, translated by Abbas Mokhbar, Tehran: New Design.
- Larson, Thomas and David Skidmore (1379). *International Political Economy*, translated by Ahmad Sai and Mehdi Tagvi, Tehran: Qoms.
- Laswell, Harold (1936). *Polities: Who Gets WHAT, WHEN, How*, New yourk: nopublisher.
- Mills, C. Wright (2013). *Elites of power, translated by the Cultural Foundation of Western Studies*, Tehran: Farhang Maktoob.
- Nooryan, Abdul Hasan. (2013). *The role of political elites in the balanced growth and development of contemporary Asian societies. Contemporary Political Essays*, 5(12), 133-158. [in persian].
- Sareeul-Qalam, Mahmoud (2008). *Rationality and the future of Iran's development*, Tehran: Middle East Center for Scientific Research and Strategic Studies.
- Sareeul-Qalam, Mahmoud (2012). *Globalization: interaction or conflict of national sovereignty of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Strategic Research Center.

- Submissive, Nahid (1382). *Comparison of the role of elites in the process of modernization of Iran and Japan (1840-1920)*, Tehran: Publishing Company.
- Todaro, Michael (1364). *Economic Development in the Third World*, translated by Gholam Ali Farjadi, Vol. 1, Tehran: Ministry of Planning and Budget.
- Tamandeh, Seyyed Ashkobus, Malaek, Seyed Hassan, Aqrabparast, Mohammad Reza. (1400). Investigating the role of political elites in the development of the country using Jihadist thought and management in the first decade of the Islamic Revolution of Iran. *Contemporary Muslim Thought Studies*, 7(13), 41-73.
- Vardi, Mohammad (2004). *Green Book of Japan*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.
- World Bank, 2008. [in persian].
- Zibakalam, Sadegh, Sabohi, Mehdi, Bahrami, Ali, Ranjbar Kohn, Hassan. (1390). *The role of political elites in the political development of Iran. Private and Criminal Law Research Quarterly*, 7(number 2 (consecutive 16 autumn and winter 2019)), 43-56. [in persian].
- Zounis, Marvin (2007). *Psychology of Iran's Political Elites*, translated by Parviz Salehi, Suleiman Aminzadeh, Zahra Labadi, Tehran: Chapakhsh.